

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

تی یری میسان- par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۲۷ جولای ۲۰۱۴

## سیر تکاملی بشار اسد

### La métamorphose de Bachar el-Assad

از تاریخ بازنشستگی فیدل کاسترو، مرگ هوگو چاوز و ممنوعیت محمود احمد نژاد برای معرفی نامزدی اش در انتخابات ریاست جمهوری ایران، جنبش انقلابی دیگر فاقد رهبر در سطح جهانی بوده و یا بهتر بگوئیم دیگر رهبری نداشت. با این وجود، سرسختی و خون سردی باورنکردنی بشار اسد، او را به تنها رهبر قدرتمند در جهان تبدیل کرد که در حمله سازماندهی شده اتحادیه استعماری وسیعی که رهبریت آن را واشینگتن به عهده داشت، پابرجا باقی ماند، و به شکل گسترده توسط مردم سوریه دوباره انتخاب شد.

شیکه ولتر



از همان نخستین ملاقات با بشار اسد، هوگو چاوز می گفت که او رهبر انقلابی در جهان خواهد بود.

بشار اسد می خواست چشم پزشک شود و تمایلی برای کار سیاسی نداشت. با این وجود، پس از مرگ برادرش باسل اسد، به کشور بازگشت و تحصیلاتش را در آنجا ادامه داد و پذیرفت که به کشورش خدمت کند و در اداره امور به پدرش یاری رساند. پس از مرگ پدر، برای حفظ انسجام کشور حاضر به خدمت گردید و جانشین پدرش شد. او طی نخستین سال های حیات سیاسی اش بر آن شد تا در ترکیب طبقاتی به شکلی تحول ایجاد کند تا روند نظم دموکراتیک تازه ای را در کشورش امکان پذیر سازد، یعنی کاری که هیچ کس از او مطالبه نکرده بود. با چنین خواستی، و با شکیبانی تمام با حذف نظام اقتدارمدار قدیمی، برای شرکت عموم مردم در زندگی سیاسی نقطه آغازی ایجاد کرد.

با این وجود به محض این که قدرت را به دست گرفت، دریافت که ایالات متحده قصد تخریب سوریه را در سر می پروراند. در نتیجه، ریاست جمهوری او کاملاً به تقویت ارتش عرب سوریه و ایجاد اتحادهای در خارج، و مقابله با توطئه های خارجی اختصاص پیدا کرد. از سال ۲۰۰۵، او را به قتل رفیق حریری متهم کردند، و می بایستی با تیم تحقیقاتی سازمان ملل متحد به ریاست **دتلف مهلیس**، و مخالفت تمام جهان رویارویی کند. ولی در سال ۲۰۱۱ بود که قدرت های استعماری علیه شخص او و سوریه با یک دیگر متحد شدند.

شگفت زده، در آغاز ناآرامی ها، زیرا تمام آنچه را که هیأت نمایندگی از یک شهر سوری در تظاهرات مهمی که بر پا کرده بودند، اخراج علوی ها از شهر بود، بشار اسد از این موضوع برآشفت و به گفتگوهایش با آنها پایان داد، و تصمیم گرفت که تا آخرین نفس از تمدن سوریه و از « زندگی مشترک » ساکنان کشورش دفاع کند.

طی سه سال، پزشک خجالتی به فرمانده جنگی تبدیل شد. ابتداء تنها از سوی ارتش پشتیبانی می شد، سپس مردم نیز به او پیوستند، در بحبوحه جنگ برای سومین بار با ۸۸،۷٪ آراء، یعنی با ۶۵٪ تمام رأی دهندگان انتخاب شد. در سخنرانی اش می بینیم که او تا چه اندازه با عبور از رویدادها تحول پیدا کرده است (۱).

در سخنرانی به مناسبت پیروزی اش در انتخابات، آرمان والائی که به زبان آورد، ابتداء خدمت به میهن و جمهوری بود. او برای دفاع از این مردان و زنانی که بنا بود زیر تازیانه دیکتاتور مذهبی و خدمتگذار امپریالیسم قرار گیرند، مبارزه کرد. و گاهی اوقات، برای آنها مبارزه کرد و گاهی علیه خواست آنها. برای آنها مبارزه کرد اگر چه در پیروزی تردید داشت، ولی ترجیح می داد برای عدالت بمیرد تا این که تبعید طلانی ولی شرم آوری را که « غربی ها » به او پیشنهاد می کردند، بپذیرد.

اگر چه، کمی پیش از او، دیکتاتورهای مانند زین العابدین بن علی و حسنی مبارک با نخستین فرامین واشینگتن کشورشان را به اخوان المسلمین واگذار کردند و شاه حمد بن خلیفه آل ثانی با نخستین اشاره ابروی بارک اوباما، همچون کودکی مطیع ترجیح داد از ثروتش لذت ببرد تا این که مبارزه کند.

برای بشار اسد در آغاز موضوع مقاومت در مقابل ضربات امپریالیسم بود. ولی با نزدیک شدن پیروزی، بر آن شد تا گامی به پیش بردارد و به بی نظمی و هرج و مرج حاکم بر جهان معترض شود. در نتیجه به همان شکلی که هوگو چاوز پیشبینی کرده بود، با وجود این که جهانیان او را به عنوان پسر دردانه پدرش تلقی می کردند، امروز می بینیم که بیش از پیش به چهره یک رهبر انقلابی در زندگی سیاسی ارتقاء یافته است. بر این اساس، با وجود خیانتکاری های تعدادی سیاستمدار، او نمی تواند به ضرورت دفاع از مردم فلسطین که اسرائیل در غزه قتل عام می کند، بی اعتنا بماند.

انقلاب بشار اسد ابتداء مبارزه رهائیبخش علیه تحجر مذهبی است که رژیم های سلطنتی و هابی، عربستان سعودی و قطر رهبریت آن را در جهان عرب به عهده دارند.

انقلاب بشار اسد ضامن شکوفائی آزاد هر یک از شهروندان می باشد، و در این زمینه اعتقادات مذهبی شاخص تعیین کننده ای نخواهد بود، در نتیجه چنین رویکردی معرف ماهیت مدنی « لائیک » رژیم او می باشد، به عبارت دیگر با مذهب سازگاری ندارد، و بر این باور است که خدا خاصه از هیچ مذهبی پشتیبانی نمی کند، ولی عدالت برای همگان مورد تأیید او می باشد. در واقع، رژیم مدنی از دیدگاه بشار اسد اعتقاد به وجود خدا را به فضای خصوصی منتقل می کند، و این راه کاری است که باید به ایجاد منبع نیروئی بینجامد تا مشارکت هریک را در مبارزه علیه دشمنی که قوی تر به نظر می رسد، برای دستیابی به پیروزی مشترک ممکن سازد.

بشار اسد نیز مثل تمام آنهایی که جنگ را دیدند، نتوانست این فکر را به خود راه دهد که زشتی های آن، کار انسان های شروری بوده که « نیش خود را در کالبد سوریه فرو برده و مرگ آفرینی کرده اند، سر بریده اند...». در غیر این صورت، پذیرش چنین تعریفی از جنگ و انسان، هیچ امیدی برای نوع بشر باقی نمی گذاشت. او می دید که پشت حرکتشان، نفوذ « شیطان » (Diable)، تحریف و توطئه از سوی به اصطلاح « اخوان المسلمین » صورت می گیرد.

نام « شیطان » (Diable) را از دیدگاه ریشه شناسی واژگان در سخنرانی او باید در دو معنای مختلف درک کنیم. رئیس جمهور سوریه بشار اسد شعار « بهار عرب » را که از تخیلات وزارت امور خارجه ایالات متحده برای سرکار آوردن اخوان المسلمین در تمام مغرب اسلامی، در شامات و خلیج برآمده بود، افشاء کرد. هر کجائی که تبعیت از امپریالیسم زیر پرچم استعماری دیده می شود، رژیم های سلطنتی وهابی سنوسی ها در لیبیا، پرچم استعماری تحت قیومیت فرانسه در سوریه، به شکل متناقضی در کنار مستبدان ریاض و دوحه شعار « انقلاب » می دادند.

برای بشار اسد جنگ یک مسیر شخصی بود. او این راه را با تکیه به اخلاق در زندگی اش تجربه کرد : اخلاف او در اینجا یعنی « در خدمت منافع عمومی »، مقوله ای که رمی ها آن را « جمهوری » می نامیدند، ولی بریتانیائی ها آن را به توهمی برای پوشاندن بلند پروازی های اقتدارگرایانه تعریف کردند. مانند رویسپیر « انحراف ناپذیر »، او دریافت که چنین خدمتی بار خیانت را تاب نخواهد آورد، پس هیچ خیانتی روا نخواهد بود. در تداوم خدمات پدرش حافظ اسد، او در سادگی زندگی می کند و به زندگی لوکس برخی ناخدایان تجاری و صنعتی، حتی وقتی که از نزدیکان او باشند، به چشم تردید نگاه می کند.

او به مقام رهبر انقلابی تحول یافت، تنها رهبر مقتدر در جهان که زیر ضربات و حملات سازماندهی شده اتحادیه وسیع استعمارگران به رهبری واشینگتن زنده باقی ماند و در طول و عرض توده های عظیم مردم دوباره به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. چنین است که او به تاریخ می پیوندد.

1) <http://www.voltairenet.org/article184852.html>

2) <http://www.voltairenet.org/article184813.html>

#### یادداشت:

این که فعلاً بشار اسد روی تقسیم منافع در تقابل با امپریالیسم قرار گرفته، گذشته از آن که به هیچ وجه هویت انقلابی به وی نمی دهد، حتا نمی تواند جنایاتی را که در همسویی با امپریالیسم علیه خلقهای عرب بعد ۱۱ سپتمبر انجام داد، نیز بپوشاند. از آن گذشته نه تنها مقایسه وی با چاوز و به خصوص کاسترو اهانت به آن دو فرد است، بلکه احمدی نژاد قاتل خلق ایران را انقلابی معرفی داشتن، شدیدترین اهانت به انقلاب نیز می باشد.

اداره پورتال AA-AA